

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه چهل و سوم 99/10/06

موضوع: اجتهاد و تقلید - کلمه مولی در قرآن

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين  
الحمد لله والصلاة على محمد رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن  
الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

پرسش:

سوال اول: از دلایل اهل سنت برای عدالت همه صحابه، آیه بیعت رضوان است. می گویند آیه درباره بیعت  
کنندگان تحت شجره، به صورت مطلق آمده. دوم: در خیلی از دعاها از جمله در «دعای کمیل» اهل بیت  
اقرار به گناه کرده اند، وجه آن چیست؟ سوم: هجوم به خانه حضرت علی علیه السلام، بعد غصب فدک  
اتفاق افتاد یا قبل آن؟

پاسخ:

در رابطه با آیه رضوان و بیعت تحت شجره، قبلا مفصلا بحث کرده ایم. اینها هیچ گونه دلالتی بر عدالت  
همه صحابه ندارد. آیه 10 «سوره فتح» درباره بیعت شکنان است.

در آیه 18 بحث بیعت رضوان می آید اما در آیه 10 بحث شکستن بیعت:

(إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ  
أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا)

در حقیقت کسانی که با تو بیعت می کنند جز این نیست که با خدا بیعت می کنند دست خدا بالای  
دستهای آنان است پس هر که پیمان شکنی کند تنها به زیان خود پیمان می شکنند و هر که بر آنچه  
با خدا عهد بسته وفادار بماند به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می بخشد.

## سوره فتح (48): آیه 10

بحث نکث بیعت را مطرح کرده است. مضافاً اینها با پیامبر در سال ششم هجری و قبل از صلح حدیبیه بیعت کردند که در جنگ‌ها فرار نکنند و وفادار به پیامبر باشند، اما بعد از آن، در جنگ حنین (سال هشتم) از دوازده هزار نفری که در رکاب پیامبر بودند، (پس از حمله اولیه مشرکان) به نقلی 4 و به نقلی حدود 10 نفر بیشتر نماندند و بقیه فرار کردند و بعد رفته رفته بازگشتند.

لذا این آیات به هیچ وجهی دلالت بر عدالت همه صحابه نمی‌کند؛ بلکه بر عکس است.

این مطلب را در بعداً مطرح می‌کنیم.

### پرسش:

قبل از آیه بیعت رضوان (18 فتح) - آیات 16 و 17 - می‌گویند اگر اطاعت کنند اجر بهشت دارد اگر روی بگردانند و سرپیچی کنند، عذاب الیم در انتظارشان است.

### پاسخ:

بله این هم فرمایش متینی است.

در رابطه با دعاها، آقایان چندین جواب داده‌اند. هم بزرگان شیعه و هم بزرگان اهل سنت. حضرت «امام رضوان الله تعالی علیه» نظرشان اینست که هدف ائمه (علیهم السلام) این بوده که راه و رسم دعا کردن را به مردم یاد بدهند.

اینکه چگونه مردم با خدای عالم حرف بزنند، یکی از فلسفه‌های این دعاها بوده است.

جواب دیگر اینکه هر کسی حتی پیغمبر و امام، در رابطه بین خود و خدا قصورهایی می‌بیند.

«حَسَنَاتُ الْأَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُقَرَّبِينَ»

کشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة)؛ نویسنده: اربلی، علی بن عیسی، محقق / مصحح:

رسولی محلاتی، هاشم، ناشر: بنی هاشمی - تبریز، ج 2؛ ص 254

وقتی امام و یا پیغمبر یک لحظه احساس می‌کند که از خدای عالم غافل شده (یا قهرا ارتباط کم شده)، برای خودش آن را گناه می‌داند؛ و لذا این طور در دعا ابراز می‌فرماید.

حتی اهل سنت هم نسبت به آیاتی که در این زمینه است مثل:

(إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا؛ لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا)

ما تو را پیروزی بخشیدیم [چه] پیروزی درخشانی، تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد و نعمت خود را بر تو تمام گرداند و تو را به راهی راست هدایت کند.

سوره فتح (48): آیه 1 و 2

چندین وجه مطرح کرده اند، مخصوصاً «نووی» که از علمای بزرگ اهل سنت یا «بدر الدین عینی» در کتاب «شرح صحیح بخاری» مطلب دارند.

البته آنچه که من می‌فهمم، اضافه بر اینکه حضرات راه و رسم حرف زدن با خدا را به ما یاد می‌دهند، این است که وقتی که آنها در برابر عظمت خدای عالم، آن عزت زبوییت و ذلت عبودیت را احساس می‌کنند، این تعابیر را به زبان می‌آورند.

پیغمبری داشت از کنار یک صخره و سنگی می‌گذشت.

«وَرُوي: أَنْ بَعْضَ الْأَنْبِيَاءِ اجْتَاَزَ بِحَجَرٍ يَنْبُعُ مِنْهُ مَاءٌ كَثِيرٌ فَعَجِبَ مِنْ ذَلِكَ فَسَأَلَ اللَّهَ إِنْطَاقَهُ فَقَالَ لَهُ لِمَ يَخْرُجُ مِنْكَ الْمَاءُ الْكَثِيرُ مَعَ صَعْرِكَ»

دید از داخل سنگی آب عجیبی می‌جوشد، گفت با اینکه تو یک سنگ کوچکی هستی چطور این

مقدار زیاد آب از تو می‌جوشد!

فَقَالَ [مِنْ] بُكَاءٍ [حُزْنٍ] حَيْثُ سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِجَارَةُ»

از حزن اینکه شنیدم ،هیزم آتش جهنم مردم و سنگها هستند.

«وَأَخَافُ أَنْ أَكُونَ مِنْ تِلْكَ الْجِجَارَةِ»

می ترسم جزء آن سنگها در جهنم باشم که باعث عذاب بندگان باشد.

«فَسَأَلَ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ لَا يَكُونَ مِنْ تِلْكَ الْجِجَارَةِ فَأَجَابَهُ اللَّهُ وَ بَشَّرَهُ النَّبِيُّ بِذَلِكَ ثُمَّ تَرَكَهُ»

آن پیغمبر از خدای عالم خواست که این سنگ را جزء آن سنگها قرار ندهد...

«وَ مَضَى ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ بَعْدَ وَقْتٍ فَرَأَهُ يَنْبُغُ كَمَا كَانَ»

بعد از مدتی آمد دید باز هم آب می جوشد.

«فَقَالَ أَلَمْ يُؤْمِنِكَ اللَّهُ»

خدا تو را ایمن نکرد؟

«فَقَالَ بَلَى فَذَكَ بُكَاءِ الْحُزْنِ وَ هَذَا بُكَاءِ الشُّرُورِ»

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ نوری، حسین بن محمد تقی، محقق/ مصحح و ناشر:

مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج 11 ؛ ص 246

یا از رسول اکرم سوال می کنند، خدای عالم شما را از هرگونه عذاب ایمن کرده و وعده بهشت داده است، اما

این همه عبادت و بکاء برای چیست؟

فرمودند:

«أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا»

الكافي (ط - الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری

علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج 2، ص 95، بَابُ الشُّكْرِ، ح 6

در هر صورت ...

پرسش:

همان طور که دلایل ولایت در کتب اهل سنت جمع آوری شده، آیا در شیعه هم چنین کتاب‌هایی داریم که روایات را جمع آوری و یا به صورت جامع بحث کرده باشد؟

پاسخ:

کتاب «عبارات الانوار» ده جلدش چاپ شده، و سی - چهل جلد آن هم در راه چاپ است - کتاب «الغدیر»، همچنین مرحوم «شیخ حر عاملی» در کتاب إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات و ...

ولی جمع آوری کردن این روایات به تنهایی کافی نیست، باید ما روایات را بررسی سندی هم بکنیم. شما 50 روایت بیاورید، از آن طرف اهل سنت بگویند این روایات سندا ضعیف است، شما خلع سلاح می شوید. اما ما ندیدیم کتابی بیاید این مباحث را بیاورد و بررسی سندی هم کرده باشد.

البته آقای میلانی کار خوبی نسبت به «عبارات» انجام داده اند و تقریباً در خیلی از جاها بررسی سندی خوبی انجام داده اند؛ ولی کافی نیست. شما اگر کتاب نقد «قفاری» ما را در سه جلد ببینید، ما هر روایتی را چه از شیعه و چه از سنی که آوردیم - در شبهات آیات ولایت و احادیث ولایت، مهدویت و توسل - بدون بررسی سندی نیست.

آغاز بحث...

گفتیم که «فخر رازی» در کتاب «معالم اصول الدین» خودش، استدلال شیعه بر اینکه کلمه «مولی» با استفاده از قرائن داخلی ولایت را ثابت می‌کند، را جواب نداده است.

قبلا هم بنده عرض کردم، اینها از صحابه یک چماقی درست کرده‌اند هر کجا که گیر می‌کنند از این چماق استفاده می‌کنند. «فخر رازی» گفته اگر «حدیث غدیر» دلالت بر امامت «علی بن ابیطالب» داشته باشد، لاجرم باید قائل شویم صحابه ای که با علی بعیت نکردند و دیگری را خلیفه قرار دادند خیانت کردند و این با آیات قرآن که در فضائل صحابه آمده همخوانی ندارد.

«قرضاوی» که چند روز قبل از دنیا رفت، نیز دقیقا همین مطالب و استنتاج را گفته.

بهترین جواب اینها همین «حدیث حوض» است:

« حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْمُنْذِرِ الْجَرَامِيُّ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ فُلَيْحٍ، حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنِي هِلَالُ بْنُ عَلِيٍّ، عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: " بَيْنَا أَنَا قَائِمٌ إِذَا زُمِرَةٌ، حَتَّى إِذَا عَرَفْتُهُمْ خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَيْنِي وَبَيْنِهِمْ، فَقَالَ: هَلُمَّ، فَقُلْتُ: أَيْنَ؟ قَالَ: إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ، قُلْتُ: وَمَا شَأْنُهُمْ؟ قَالَ: إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى. ثُمَّ إِذَا زُمِرَةٌ، حَتَّى إِذَا عَرَفْتُهُمْ خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَيْنِي وَبَيْنِهِمْ، فَقَالَ: هَلُمَّ، قُلْتُ: أَيْنَ؟ قَالَ: إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ، قُلْتُ: مَا شَأْنُهُمْ؟ قَالَ: إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى، فَلَا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلِ النَّعَمِ»

الكتاب: الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري

المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي- المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر

الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي). ج 8 ، ص 121

صحابه همه گرفتار آتش جهنم خواهند شد، و جزء عدهی کمی نجات پیدا نمی‌کنند.

و همچنین حدیث افتراق امت:

«إِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرُقُ عَلَى ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً وَهِيَ الْجَمَاعَةُ»

الكتاب: سنن ابن ماجه ت الأرنبوط- المؤلف: ابن ماجه - وماجة اسم أبيه يزيد - أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني (المتوفى: 273هـ)- المحقق: شعيب الأرنبوط - عادل مرشد - محمّد كامل قره بللي - عبد اللطيف حرز الله

الناشر: دار الرسالة العالمية. ج 5 ، ص 130

كه الأرنبوط هم تصحيح كرده و در مستدرک ، سنن ابى داوود ، المعجم الكبير طبرانى ، السنه ، مصنف صنعانى و سنن بيهقى هم آمده .

«فرقه واحدة» نشان مى دهد كه اقليتى از امت نجات پيدا خواهند كرد، و اكثرى كه 72 فرقه است دچار آتش جهنم مى شوند.

«فخر رازى» دارد:

«أنه صلى الله عليه وسلم قال ( ألسن أولى بكم من أنفسكم قالوا نعم قال فمن كنت مولاه فعلى مولاه) وجه الاستدلال أنه صرح بلفظة أولى ثم ذكر عقيبتها المولى وهو لفظ يحتمل الأشياء وذكر الأولى يصلح تفسيراً فوجب حمله عليه دفعا للإجمال وحينئذ يصير تقديره من كنت أولى به فى الحكم والقضية من نفسه كان على أولى به فى ذلك»

معالم أصول الدين، اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر الخطيب الرازي الوفاة: 606هـ دار النشر: دار الكتاب العربي - لبنان - 1404هـ - 1984م، تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد، ج 1، ص 150

ابن، جز امامت چيز ديگرى را نمى رساند، بعد هم مطالب ديگرى را مطرح مى كند. «ابن اثير» وقتى به قول عمر مى رسد:

«أصبحت مولى كل مؤمن أي ولي كل مؤمن وقيل سبب ذلك أن أسامة قال لعلي لست مولاي إنما مولاي رسول الله صلى الله عليه»

بيغمبر فرمود:

«من كنت مولاہ فعلی مولاہ»

النهاية في غريب الحديث والأثر؛ اسم المؤلف: أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري الوفاة: 606،  
دار النشر: المكتبة العلمية - بيروت - 1399هـ - 1979م، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي - محمود محمد  
الطناحي، ج5، ص227

خلاصه با تمام توان تلاش‌شان بر این است که حدیث غدیر را به نوعی از درجه اعتبار بیاندازند، و در دلالت  
بر امامت و ولایت امیر المؤمنین (سلام الله علیه) خدشه کنند.

اما در آیات قرآن که کلمه «مولی» به معنای «اولی» آمده است:

«فراء» کتابی به نام «معانی القرآن» دارد در جلد 3، می‌گوید:

«وقوله عز وجل: مَاؤَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ أَي: هِيَ أُولَى بَكُمْ»

الكتاب: معاني القرآن- المؤلف: أبو زكريا يحيى بن زياد بن عبد الله بن منظور الديلمي الفراء  
(المتوفى: 207هـ)- المحقق: أحمد يوسف النجاتي / محمد علي النجار / عبد الفتاح إسماعيل  
الشلبي

الناشر: دار المصرية للتأليف والترجمة - مصر. ج 3، ص 134

کلمه «مولی» به معنای «اولی» آمده است. در «بخاری» از قول «مجاهد» که از مفسرین نامی اهل سنت  
است، درباره «مولکم» در سوره حدید:

وَقَالَ مُجَاهِدٌ... {مَوْلَاكُمْ} [آل عمران: 150]: «أُولَى بِكُمْ»

الكتاب: الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه =  
صحيح البخاري- المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي- المحقق: محمد زهير بن  
ناصر الناصر



الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي). ج 6،  
ص146

در «مجاز القرآن»، «ابو عبیده تیمی» که در حقیقت از ادبای اهل سنت است، همینطور آورده:

«هِيَ مَوْلَاكُمْ "أولى بكم»

مجاز القرآن؛ اسم المؤلف: أبو عبیده معمر بن المثنى التیمی (المتوفى : 209هـ) الوفاة: 209، دار  
النشر، ج 1، ص 122

در «تفسیر طبری» \_ که «ابن تیمیه» \_ درباره آن و تفسیر ابن ابی حاتم می گوید:

«تفاسیرهم متضمنة للمنقولات التي يعتمد عليها في التفسير»

منهاج السنة النبوية؛ اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس الوفاة: 728،  
دار النشر: مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة : الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج7، ص179)

در جلد 27 می گوید:

«وقوله هي مولاكم يقول النار أولى بكم»

جامع البيان عن تأويل آي القرآن؛ اسم المؤلف: محمد بن جریر بن یزید بن خالد الطبري أبو جعفر  
الوفاة: 310، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1405، ج27، ص228

«شوكاني» در «فتح القدير» جلد 5، صفحه 171 می گوید:

«(مأواكم النار هي مولاكم) أي هي أولى بكم والمولى في الأصل من يتولى مصالح الإنسان ثم  
استعمل فيمن يلازمه»

کلمه «مولى» در اصل به معنای متولی مصالح انسانها است. و بعد استعمال شده در حاکم یا والی  
که ملازم مصالح انسانها است.

فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية من علم التفسير؛ اسم المؤلف: محمد بن علي بن محمد

الشوكاني الوفاة: 1250، دار النشر: دار الفكر - بيروت، ج5، ص171

و همچنین در «تفسیر قرطبی» جلد 17:

«هي مولاكم أي أولى بكم»

ایشان هم همان تعبیر را دارد:

«والمولى من يتولى مصالح الإنسان ثم استعمل فيمن كان ملازما للشيء»

الجامع لأحكام القرآن؛ اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي الوفاة: 671، دار

النشر: دار الشعب - القاهرة، ح17، ص248

علمای اهل سنت در موارد متعددی با توجه به ظهور حدیث شریف غدیر و همچنین قرائن داخلی و خارجی این روایت، دلالت واژه «مولى» بر امامت و خلافت حضرت امیر را به روشنی پذیرفته، و بدان اعتراف کرده‌اند.

در ادامه برخی از این اعترافات را می آوریم. عبارت «غزالی» عبارت خوبی است. ایشان در «مجموعه رسائل

امام غزالی» صفحه 453 دارد:

«واجمع الجماهير على متن الحديث من خطبته في يوم عيد غدیر خم باتفاق الجميع وهو يقول: '

من كنت مولاہ فعلي مولاہ ' فقال عمر بخ بخ يا أبا الحسن لقد أصبحت مولاي ومولى كل مولى

فهذا تسليم ورضی وتحکیم»

مجموعه رسائل الامام الغزالی - اسم المؤلف : محمد غزالی- دارالفکر-صفحه 453

دیگر از این واضح تر و روشن تر؟

« ثم بعد هذا، غلب الهوى لحب الرياسة و حمل عمود الخلافة و عقود النبوة و خفقان الهوى » في  
قعقعة الرايات واشتباك ازدحام الخيول وفتح الأمصار فنبذوه وراء ظهورهم واشتروا به ثمناً قليلاً »

سر العالمين وكشف ما في الدارين؛ اسم المؤلف: أبو حامد محمد بن محمد الغزالي الوفاة: 505 هـ  
دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - 1424 هـ - 2003 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد  
حسن محمد حسن إسماعيل وأحمد فريد المزيدي، ج1، ص18

در شرح حال «غزالی» در «سیر اعلام النبلاء» دارد:

« الشَّيْخُ الإِمَامُ البَحْرُ، حَجَّةُ الإِسْلَامِ، أُعْجِبَتِ الرِّمَانُ، زَيْنُ الدِّينِ أَبُو حَامِدٍ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ  
بِْنِ أَحْمَدَ الطُّوسِيَّ، الشَّافِعِيَّ، الغَزَالِيَّ، صَاحِبُ التَّصَانِيفِ، وَالدَّكَاةِ المُفْرِطِ. »

امام و دریای از علم و حجت الاسلام است.

« وَاللهِ سِرٌّ فِي خَلْقِهِ وَعَظْمِ جَاهِ الرَّجُلِ وَازْدَادَتِ حَشْمَتُهُ »

الكتاب: سیر أعلام النبلاء- المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَائِمَاز  
الذهبي (المتوفى: 748هـ)- الناشر: دار الحديث- القاهرة ج14، ص270

قبلاً گفتیم: وقتی خودش (ذهبی) در «سیر اعلام» به «طبری» می‌رسد، می‌گوید:

«جمع(طبری) طرق حدیث غدیر خم فی أربعة أجزاء، رأیت(ذهبی) شطره فبهرنی سعة رواياته  
وجزمتُ بوقوع ذلك»

الكتاب: سیر أعلام النبلاء- المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَائِمَاز  
الذهبي (المتوفى: 748هـ)- الناشر: دار الحديث- القاهرة- الطبعة: 1427هـ-2006م ج11، ص171

همچنین ذهبی درباره رساله ای از طبری در باب تصحیح حدیث غدیر می‌گوید:

«رأیت مجلدا من طرق الحدیث لابن جریر فاندھشت له ولکثرة تلك الطرق»

...وحشتزده شدم

الكتاب: تذكرة الحفاظ- المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَايْمَاز  
الذهبي (المتوفى: 748هـ)- الناشر: دار الكتب العلمية بيروت-لبنان- الطبعة: الأولى، 1419هـ-  
1998م. ج2، ص203

قبلاً اشاره شد که «سبط ابن جوزی» در «تذكرة الخواص» خلی مفصل در این رابطه بحث می‌کند و نهایتاً  
می‌گوید:

« فتعین الوجه العاشر و هو الأولی و معناه من كنت أولى به من نفسه فعلي أولى به » (این تعین  
به انضمام جمله قبل که رسول اکرم فرمودند، می‌شود:) هذا نص صريح في اثبات إمامته وقبول  
طاعته»

خیلی واضح و روشن است .

بعد می‌رسیم به پاسخ شبهه «عضد الدین ایجی» و «فخر رازی» که در حقیقت یک دنیای دیگری است.  
می‌گویند آیا در لغت عرب، «مَفْعَل» به معنای «أفعل» آمده است؟ :

«لم يذكره أحد من أئمة العربية»

كتاب المواقف؛ اسم المؤلف: عضد الدين عبد الرحمن بن أحمد الإيجي الوفاة: 756هـ دار النشر: دار  
الجيل - لبنان - بيروت - 1417هـ - 1997م، الطبعة : الأولى، تحقيق: عبد الرحمن عميرة، ج3،  
ص616

اصلاً بزرگان لغت همه‌شان تصریح دارند بر اینکه کلمه «مولی» به معنای «اولی» است و سیاق کلام  
مفسرین هم، همین را می‌رساند .

پرسش:

اول واقعه هجوم اتفاق افتاد يا غصب «فدک» ؟

**پاسخ:**

در کتاب «الهجوم على بيت فاطمه» که آقای «عبد الزهرا» کار کرده اند، مدارک (اتفاقات پس از پیغمبر اکرم) را آورده اند؛ اما باید دنبال دلیل خاصی باشیم.

**پرسش:**

خدمات حضرت زهرا سلام الله علیها، برای بشریت چه بود؟

**پاسخ:**

اگر هیچ خدمتی نداشتند الا اینکه حجت را بر همه، نسبت به حقانیت امیر المؤمنین علیه السلام تمام کردند و الگو برای ما در جهت اثبات حقانیت اهل بیت شدند، با زندگی ساده ای که با امیر المؤمنین داشتند نشان دادند که یک زن فاطمی در یک زندگی فاطمی چطور باید با همسرش زندگی کند و تربیت فرزندان که داشتند، آیا همین کافی نیست؟ حضرت ولی عصر می فرمایند:

«و فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه واله وسلم) لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»

الغيبة (للطوسي) / کتاب الغيبة للحجة؛ نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، ناشر: دار المعارف

الإسلامية، محقق / مصحح: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، 286

**پرسش:**

بین اهل سنت کسانی هستند که قائل به ولادت امام زمان باشند؟

**پاسخ:**

بله ؛ آقای دکتر «سید ثامر عمیدی» در کتاب «دفاع عن الکافی» جلد 1 صفحه 568 ، نام 128 نفر از علمای بزرگ اهل سنت را که در مورد ولادت حضرت مهدی اعتراف نموده‌اند ، آورده است. «آقای فقیه ایمانی» هم در کتاب «الاصالة المهدویة» در صفحه 81 ، نام 112 نفر را آورده است.

«ایران» تنها کشوری در کره زمین است که ایام فاطمیه را دارد و مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها) در رسانه‌ها، در جلسات، در سخنرانی‌ها، در راهپیمای‌ها و... بیان می‌شود.

در حقیقت، این کشور را بیمه می‌کند، بیمه حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای دفع توطئه‌های دشمنان نظام جمهوری اسلامی و ملت شیعه! از همه عزیزان التماس دعا داریم.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»